



زن و مرد در تمام حدود آزادی و رفاه اجتماعی برابر هستند

«ولو در حد یک نگاه و تماشای قرار نگیرد؛ این امر آزادی زن است نه این که دیگران از او آزادانه استمتاع جنسی کنند.

زن یک ساختار ویژه از نظر عاطفی، احساسی، فکری و جسمانی دارد؛ بحث تفاوت بین زن و مرد تنها در مسئله جنسیت نیست؛ این تفاوت ساختاری موجب گشته که در بسیاری از موقعیت‌هایی که مرد کارآمد نیست، زن کارآمد باشد.

رفاه اجتماعی، همان‌طور که مرد باید برخوردار باشد زن نیز باید برخوردار باشد؛ اما بی‌حجابی زن در جامعه، آزادی زن نیست بلکه آزادی مردان است.

اینکه زنی در مقابل چشمان مردها ظهور پیدا کند و اندامش در رهگذر نگاه شهوت‌آمیز مردها واقع شود؛ آزادی مردان است نه زنان. آزادی زن در این است که بتواند خودش را صیانت کند و مورد تجاوز ستمکارانه‌ی یک مرد

«اسلام در خصوص جایگاه زن دارای اندیشه است؛ این اندیشه غیر از حلال و حرامی است که در مورد زن دارد؛ اسلام در دنیا مکتب خاصی برای شخصیت زن دارد که نمود آن صدیقه‌ی اطهر (س) است؛ اسلام با آزادی و شخصیت زن ضدیت ندارد. زن و مرد در تمام حقوق انسانی با یکدیگر مشترک هستند. از دیدگاه اسلام در شئون اسلامی، هیچ مردی بر هیچ زنی برتری ندارد؛ در تمام حدود آزادی و

«حجاب» عامل صیانت زن

«اگر زن صیانت شد، شخصیت، مقام و عظمتش محفوظ می‌ماند؛ اما اگر صیانت نشد، تمام عظمتی که دارد از بین خواهد رفت.

.....ادامه مطلب صفحه ۵

شهید نواب صفوی الگوی غیرتمندی دینی

«شهید نواب صفوی الگوی غیرتمندی دینی بود؛ او از مقابل هیچ گناه مورد غضب خدا، چه در حوزه سیاست و چه در حوزه زندگی اجتماعی، بی‌تفاوت نمی‌گذشت.

.....ادامه مطلب صفحه ۴

کام اول برای گناه نکردن

«کار اول ایجاد ملکه تقوا است؛ باید ملکه‌ی تقوا در زندگی انسان ایجاد شود؛ یعنی کار انسان به‌جایی برسد که گناه نکردن عادت زندگی‌اش شود.

.....ادامه مطلب صفحه ۲



را در دل گناه می‌بیند؛ در عین حال که درصدد این است که گناه نکند، گناه از او سر زده و معصیت خدا را انجام می‌دهد. من چه کنم که در زندگی گناه نکنم؟ در این زمینه باید دو کار انجام داد.

الزمان و اجعلنا من انصاره و اعوانه و الذابین عنه و المستشهدين بين يديه طائعين غير مكرهين في صف الذي نعت اهلته في كتابك كانهم بنيان مرصوص على طاعتك و طاعة رسولك و آله عليهم السلام. اللهم هذه بيعة له في اعناقنا الى يوم القيامة.

عباد الله: اوصيكم و اوصي نفسي بتقوى الله همهى شما برادران و خواهران و خودم را به تقوى الهى سفارش می‌کنم.

همهى شما برادران و خواهران و خودم را به تقوى الهى سفارش می‌کنم.

کلام ما در خطبه‌ی اول درباره‌ی تقوى عملى در رفتار شخصى بود و عرض شد مصداق کامل تقوى عملى در رفتار شخصى ترک گناه است. در مسئله‌ی ترک گناه، انسان گاهی چنان غافلگیر می‌شود که وقتی چشمش را باز می‌کند، خودش

﴿خطبه اول: الحمد لله المتفرد بالكبريا و

اشهد انه المتوحد بتدبير الارض و السماء و اشهد ان محمداً رحمة للورا و اكمل الكملا و افضل السفرا و خاتم الانبيا و اشهد ان اميرالمومنين على ابن ابيطالب و اولاده المعصومين هم المحجة البيضاء و منقذ البشر من الضلالة و العمى. اللهم بلغ مولانا صاحب الزمان صلوات الله عليه عن جميع المومنين و المومنات فى مشارق الارض و مغاربها سهلها و جبلها و برّها و بحرها حيّهم و ميّتهم و عثا و عن والدنا من الصلوات و التحيات زنة عرش الله و مداد كلماته و منتهى رضاه و عدد ما احصاه كتابه و احاط به علمه.

اللهم انا نجدّد له فى هذا اليوم و فى كل يوم عهداً و عقداً و بيعة له فى رقابنا. اللهم كما شرّفنا بهذا الشريف و فضّلنا بهذه الفضيلة و خصصتنا بهذه النعمة و صل على مولانا و سيدنا صاحب

گام اول برای گناه نکردن؛ ایجاد ملکه تقوى

یوسف در بوران جوانی و در طوفان غریزه به سر می‌برد، اما او تمکین نکرد؛ تهدیدش کردند که اگر تسلیم نشوی زندانی‌ات می‌کنند و شکنجه‌ات می‌دهند؛ خواستند دل او را خالی کنند و او را تسلیم کنند؛ یوسف (ع) حرفی که زد این بود «رَبِّ السَّجْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ»؛ خدایا! این زندان و شکنجه برایم بهتر از این لذایذ جنسی است که زنان مصر مرا به آن دعوت می‌کنند. وقتی تقوا ملکه‌ی انسان شد، آن موقع می‌گوید «رَبِّ السَّجْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ»؛ زندان و شکنجه برای من محبوب‌تر است؛ اگر در دل آن سیاهی و زندان نمناک، در زیر شکنجه‌ی مأمورین به سر بیرم برای من لذیذتر است.

وقتی ملکه‌ی تقوا در انسان حاصل شد، انسان از گناه بدش می‌آید و نسبت به گناه تنفر دارد؛ نه اینکه بخواهد به‌زور خودش را وادار به ترک گناه کند؛ او اصلاً به گناه نزدیک نمی‌شود و نفرت از گناه دارد؛ حالا گناه می‌تواند شهوت جنسی، کلاه‌برداری،

﴿کار اول ایجاد ملکه‌ی تقوا است؛ تقوا تا به صورت ملکه درنیايد تضمینی در زندگانی انسان ندارد. این که من بخواهم خودم را با زور وادار به تقوا کنم، باعث نمی‌شود که زندگی تقوایی من به سروسامان برسد؛ باید ملکه‌ی تقوا در زندگی انسان ایجاد شود؛ یعنی کار انسان به‌جایی برسد که گناه نکردن عادت زندگی‌اش شود و به نحوی شود که وقتی گناه به سراغ انسان می‌آید از آن نفرت داشته باشد.

انسان در بعضی از جوانان متدین این حالت را مشاهده می‌کند که جوان است و در بوران غریزه‌ی جنسی به سر می‌برد اما از یک زن بدحجاب بدش می‌آید؛ اصلاً از موجودی که منشأ گناه است نفرت دارد؛ این ملکه‌ی تقوا است.

اگر ملکه‌ی تقوا در کسی ایجاد شود، یک حالت کنترل و تضمین ناخودآگاه نسبت به گناه برای او حاصل می‌شود؛ زن‌های مصر، یوسف پیغمبر (ع) را محاصره کردند تا این جوان را به دام شهوت بیندازند، درحالی‌که



دزدی، قدرت‌یابی نامشروع و هرچیز دیگری باشد. او از مطلق گناهان نفرت دارد؛ زبان چنین کسی به‌دروغ نمی‌چرخد چون ملکه‌ی تقوا برایش حاصل‌شده است؛ پس قدم اول این است که انسان سعی کند تقوا برایش ملکه و ترک گناه برایش عادت گردد.

۱. صفتی راسخ در نفس انسان. (فرهنگ ابجدی؛ فواد افرام بستانی، ص ۸۶۲).

۲. سوره‌ی مبارکه‌ی یوسف، آیه ۳۳.

گام دوم برای گناه نکر دن؛ مدیریت ملکه تقوی



«کار دوم، خب اگر این ملکه‌ی تقوا برای ما حاصل شد، چه کنیم که در مواقع وسوسه نفسانی و شیطانی، دوباره در دل گناه قرار نگیریم؟ چه کنیم که این ملکه و عادت ضعیف نشود و کم‌کم برای انسان سقوط ایجاد نشود؟ کار دوم این است که شما ملکه‌ی تقوا را مدیریت کنید.

برادران و خواهران! من و شما انسان هستیم؛ تفاوت عمده‌ی انسان و موجودات دیگر در این است که او قدرت اراده دارد؛ اگر او در جایی قرار گرفت که قدرت اراده‌اش را از دست داد، انسانیت خودش را از دست داده‌است.

چطور می‌توان با اراده، ملکه‌ی تقوا را مدیریت کرد؟ «دل»، منشأ تمام مفاسد و خرابی‌هایی که در حوزه‌ی اراده‌ی ما به وجود می‌آید؛ ما بادل مدیریت کنیم؛ باید دم راهروی دل، این اراده را حاکم کنیم؛ نگذاریم هر خواسته‌ای وارد دل شود؛ نگذاریم دلمان همه‌چیز را بخواهد؛ اگر اراده‌ی ما بر خواسته‌ی دلمان حاکم شد، قدرت مدیریت تقوا را داریم.

برادران و خواهران! مراقب باشید به آنجایی که اراده‌ی شما را تضعیف و ناتوان می‌کند نروید؛ چرا شخصی به به جایی برود که اراده‌ی ترک گناه وی را دچار ضعف و ناتوانی می‌کند؟ در انتخاب شغل نباید تنها به درآمد و سودش نگاه کنیم بلکه باید دید آیا این شغل، شغلی نیست که اراده‌ی تو را کاملاً تضعیف کند؟ جایی که احتمال می‌دهی اراده‌ات تضعیف شود، آنجا قدم نگذار و آن مسیر را انتخاب نکن؛ پس حکومت اراده بر دل، بهترین راه برای مدیریت ملکه‌ی تقوا است.

خدایا! به عزت اولیائت همه‌ی ما و عزیزان ما را از ولنگاری‌های دل و دلخواه عنایت فرما. پروردگار! اراده‌ی قوی به همه‌ی ما مخصوصاً به برادران و خواهران جوان ما عنایت فرما.

پروردگار! نقطه‌ی کمال عزت و عظمت مسلمین که نقطه‌ی فرج و ظهور مولایمان بقیه‌الله است را تعجیل فرما و ارواح مطهره‌ی شهدا و روح مطهر امام بزرگوار ما را از همه‌ی خیرات و برکات مردم ما بهره‌مند گردان.

خدایا! سایه‌ی پربرکت مقام معظم رهبری بر سر ما مستدام دار و دشمنان ناپاک ما در جبهه‌های کفر و نفاق و استکبار، ذلیل و نابود و ریشه‌کن گردان.

برادران و خواهران جوان! شما در ابتدای زندگی خود هستید؛ در شروع یک زندگی پر ماجرا و پرفراز و نشیب قرار گرفته‌اید؛ حواستان جمع باشد که اگر اراده‌ی شما از الآن ضعیف شود و در مقابل خواسته‌های دل، ناتوان شوید، تمام سرنوشت خودتان را به ظلمت و نکبت تبدیل خواهید کرد. اگر بنا شد در برابر دلخواهتان اراده نداشته باشید و هرچه دلتان خواست تسلیم شوید، زندگی شما تباہ است و آینده‌ی خود را از بین برده‌اید؛ نه تنها در حوزه‌ی معنویت و عرصه‌های بندگی خدا، حتی در زندگی مادی و پیشرفت‌های مادی و اجتماعی سقوط می‌کنید.

چرا جوانی دارای استعداد و هوش به یک معتاد بی‌ثمر و پوچ تبدیل می‌شود؟ چون اراده‌اش حاکم بر دلخواهش نیست؛ گاهی با بعضی از این جوان‌های معتاد برخورد می‌کنیم که استعداد فوق‌العاده دارند و اگر درس می‌خواندند، یک نخبه و نابغه می‌شدند؛ منتهی در چنگال دیو وحشی اعتیاد، خود و خانواده را بدبخت کرده‌است. نصیحت برای چنین شخصی فایده‌ای ندارد؛ زیرا که کسی را نصیحت می‌کنند که آگاهی و تشخیص ندارد اما این فرد دارای تشخیص است و فاقد ارده؛ اراده او در برابر خواهش دل ضعیف است.



إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

همانا خداوند بسیار دانا و آگاه است

إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ

مسئما گرامی‌ترین شما در نزد خدا
پرهیزکارترین شماست

«**خطبه دوم:** عباد الله! اوصیکم و اوصی نفسی بتقوی الله

همه‌ی شما برادران و خواهران و خودم را به تقوای الهی سفارش می‌کنم.

این ایام، مقارن با سالروز ولادت با سعادت صدیقه‌ی کبری، فاطمه‌ی زهرا (س) است؛ این ایام سعید را به محضر شما عزیزان تبریک و تهنیت عرض می‌کنم.

شهادت نواب صفوی الگوی غیرتمندی دینی بود

و بوی این دو ویژگی را مشاهده کند، مرحوم شهید نواب صفوی عنصر پاکی بود که این دو ویژگی در او ظهور و بروز داشت؛ او با وجود خفقان نظام طاغوتی، باکمال قدرت با طاغوت مقابله می‌کرد، تا جایی که حتی بزرگ‌ترین خطر را برای اینکه قدمی در راه خدا بردارد و نهی از منکر انجام دهد، می‌پذیرفت.

اگر روز قیامت در مقابل خداوند قرار بگیریم و بگوییم ما که امام معصوم (ع) نبودیم، ما که عرضه‌ی ایستادن و فداکاری در کنار سیدالشهدا (ع) را نداشتیم، نواب صفوی را به ما نشان می‌دهند و می‌گویند شما امام و معصوم نبودید، اما مگر این آقا انسان عادی نبود که تمام عمرش را در مقابل منکر جنگید و هستی و جانش را داد؟! این افراد برای ما حجت هستند و راه را به ما نشان می‌دهند.

۱. کلیات مفاتیح‌الجنان؛ شیخ عباس قمی، ص ۵۴۶.

زندگی اجتماعی، بی‌تفاوت نمی‌گذشت؛ هرکجا منکر صریحی را مشاهده می‌کرد، با تمام قدرت مقابل آن می‌ایستاد و تا مرز نثار جان با موارد غضب پروردگار مقابله می‌کرد و در این مبارزه نیز شجاعت، اخلاص، غیرت و از خودگذشتگی داشت.

در فقرات مقدسه‌ی زیارت جامعه کبیره در محضر مقدس امام معصوم (ع)، یکی از ویژگی‌های وجود مقدس امام این‌گونه توصیف‌شده است «و بذلتم أنفسم فی مرضاته و صبرتم علی ما أصابکم فی جنبه»؛ شما کسی هستید که جانتان را در راه خدا بذل کردید؛ آنجایی که در راه خدا به شما مصیبت وارد می‌شد، شما مقاومت می‌کردید؛ شما کسانی بودید که مسیر حق را دنبال و با ناحق مبارزه می‌کردید.

اگر کسی بخواهد در بین غیر معصوم، رنگ



«دیروز، روز سی‌ام دی، مصادف با سالروز شهادت جان‌گداز اسوه و الگوی غیرتمندی دینی، مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای سید مجتبی نواب صفوی و یاران فداکارش، در عرصه فداپایان اسلام بود. شهید نواب صفوی الگوی غیرتمندی دینی بود؛ او از مقابل هیچ گناه مورد غضب خدا، چه در حوزه سیاست و چه در حوزه

مردم نسبت به بدحجابی اظهار انزجار کنند

نظام حکومتی ما نظام اسلامی است؛ اما

متأسفانه در مظاهر دین‌مداری در عرصه‌ی زندگی اجتماعی، با مشکلاتی مواجه هستیم. وضعیت بی‌حجابی در شهرها و اصرار عناصر ناهنجار بر بی‌عفتی زنان، کجایش با مبانی اسلامی ما سازگار است؟ امروز که نظام دینی داریم؛ آیا مظاهر اجتماعی ما باید این‌قدر مالا مال از مظاهر بی‌عفتی و بی‌حيایی باشد و در مقابل آن ما نیز بی‌تفاوت باشیم؟ حرف

هم که می‌زنیم می‌گویند نیروی انتظامی، دادگاه و دولت جلوی آن کار را بگیرند؛ مسئله که این‌ها نیست؛ این موضوع باید به صورت مردمی حل شود. این خانم بدحجاب و ولنگار باید احساس کند که مردم از پوشش او بدشان می‌آید و از تیپ او انزجار دارند؛ این اظهار انزجار، یک تکلیف الهی برای شما مردم در نهی از منکر است. یکی از فرماندهان نیروی انتظامی به بنده می‌گفت «بروم جلوی بدحجابی را بگیرم؟ با چه کسی بگیرم؟ با یک افسر وظیفه ۲۰ ساله که خودش جوان و کوه‌غریزه‌ی جنسی است؟ به او بگویم برو جلوی این دختر را بگیر؟ بگو مویش را ببوشاند و صورتش را بگیرد؟ فرستادن او به سراغ این دختر از انکر

نظام حکومتی ما نظام اسلامی است؛ اما متأسفانه در مظاهر دین‌مداری در عرصه‌ی زندگی اجتماعی، با مشکلاتی مواجه هستیم. وضعیت بی‌حجابی در شهرها و اصرار عناصر ناهنجار بر بی‌عفتی زنان، کجایش با مبانی اسلامی ما سازگار است؟ امروز که نظام دینی داریم؛ آیا مظاهر اجتماعی ما باید این‌قدر مالا مال از مظاهر بی‌عفتی و بی‌حيایی باشد و در مقابل آن ما نیز بی‌تفاوت باشیم؟ حرف هم که می‌زنیم می‌گویند نیروی انتظامی، دادگاه و دولت جلوی آن کار را بگیرند؛ مسئله که این‌ها نیست؛ این موضوع باید به صورت مردمی حل شود. این خانم بدحجاب و ولنگار باید احساس کند که مردم از پوشش او بدشان می‌آید و از تیپ او انزجار دارند؛ این اظهار انزجار، یک تکلیف الهی برای شما مردم در نهی از منکر است. یکی از فرماندهان نیروی انتظامی به بنده می‌گفت «بروم جلوی بدحجابی را بگیرم؟ با چه کسی بگیرم؟ با یک افسر وظیفه ۲۰ ساله که خودش جوان و کوه‌غریزه‌ی جنسی است؟ به او بگویم برو جلوی این دختر را بگیر؟ بگو مویش را ببوشاند و صورتش را بگیرد؟ فرستادن او به سراغ این دختر از انکر



منکرات است؛ این‌طور که نمی‌شود جلوی بی‌حجابی و بدحجابی را گرفت؛ بلکه مردم باید از این رفتار اظهار نفرت کنند. ما باید تکلیف خود را در مبانی اعتقادی،

فکری و رفتاری در نسبت با اسلام و در خصوص زن روشن کنیم. آیا با این که یک عده با مسخره کردن امثال بنده در فضای مجازی، حرّافی کردن و خرافات بافتن، با مأموریت‌هایی که از خارج دارند، تمام شعائر دینی و مقدسات ما را به باد تمسخر بگیرند و ما نیز تماشاچی باشیم، تمام می‌شود؟



زن و مرد در تمام حدود آزادی و رفاه اجتماعی برابر هستند

صیانت کند و مورد تجاوز ستمکارانه‌ی یک مرد -ولو در حد یک نگاه و تماشای- قرار نگیرد؛ این امر آزادی زن است نه این که دیگران از او آزادانه استمتاع جنسی کنند.

اینکه زنی در مقابل چشمان مردها ظهور پیدا کند و اندامش در رهگذر نگاه شهوت‌آمیز مردها واقع شود؛ آزادی مردان است نه زنان. آزادی زن در این است که بتواند خودش را

اسلام در خصوص جایگاه زن دارای اندیشه است؛ این اندیشه غیر از حلال و حرامی است که در مورد زن دارد؛ اسلام در دنیا مکتب خاصی برای شخصیت زن دارد که نمود آن صدیقه‌ی اطهر (س) است؛ اسلام با آزادی و شخصیت زن ضدیت ندارد. زن و مرد در تمام حقوق انسانی با یکدیگر مشترک هستند. از دیدگاه اسلام در شئون اسلامی، هیچ مردی بر هیچ زنی برتری ندارد؛ در تمام حدود آزادی و رفاه اجتماعی، همان‌طور که مرد باید برخوردار باشد زن نیز باید برخوردار باشد؛ اما بی‌حجابی زن در جامعه، آزادی زن نیست بلکه آزادی مردان است.



«حجاب» عامل صیانت زن

طمع نکند؛ مسئله در اینجا، مسئله صیانت از زن است.

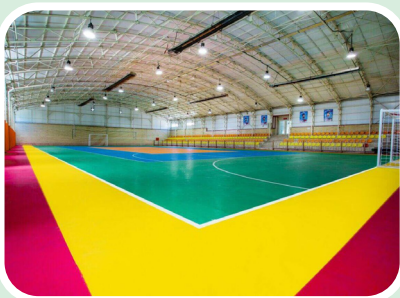
آیه ۵۹ سوره احزاب می‌فرماید «بَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجَكُمْ وَبَنَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ يَكُنَّ لَكُمْ حُجُبٌ عَلَىٰ بَنَاتِكُمْ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»؛ ای پیغمبر به همسران، دختران و زنان مؤمنین بگو چادر سر کنند؛ «جَلَابِيب» جمع «جلباب» و به معنای پوشش سراسری است و بعد می‌گوید چرا چادر سر کنند؟ «أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ» به خاطر این که شناخته شوند و مورد اذیت واقع نشوند، این برای صیانت است.

۱. سوره‌ی مبارکه‌ی احزاب؛ آیه ۳۲.

زنان هنرمندی هستند که هیچ هنری در آن عرصه از مرد بر نمی‌آید؛ اما ساختار ویژه‌ی زن اقتضا میکند که وی از نظر جسمی آسیب‌پذیر و محتاج صیانت باشد؛ اگر زن صیانت شد، شخصیت، مقام و عظمتش محفوظ می‌ماند؛ اما اگر صیانت نشد، تمام عظمتی که دارد از بین خواهد رفت و مورد تجاوز قرار می‌گیرد. در اسلام و در قرآن، هر کجا که بر حجاب زن دستور داده‌شده است، پشت سرش می‌گوید که این امر برای این است که زن آسیب نبیند. «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا»؛ زنان نباید صدای نرم و نازک از خودشان در بیآورند تا کسی که در دلش بیماری هست به این زن



زن یک ساختار ویژه از نظر عاطفی، احساسی، فکری و جسمانی دارد؛ بحث تفاوت بین زن و مرد تنها در مسئله‌ی جنسیت نیست؛ این تفاوت ساختاری موجب گشته که در بسیاری از موقعیت‌هایی که مرد کارآمد نیست، زن کارآمد باشد؛ در بسیاری از عرصه‌ها،



زنان باید بتوانند با آزادی و صیانت تفریح و ورزش کنند

صدا و هیجان زن بلند شود و طوری باشد که مردان را تحریک کند، حرام است.

این که می‌گویند فیفا ما را مجبور کرده که زنان در تماشای بازی فوتبال شرکت کنند، این نیز از شیطنت‌ها و رذالت‌های یک عده بی‌دین، ضدانقلاب و خارج‌نشین است که فیفا را تحریک کردند؛ در غیر این صورت تا الان فیفا به این موضوعات کاری نداشت. حالا چه کار کنند؟ زنان از تماشای فوتبال محروم باشند؟ زن‌ها تنها به همین آینه‌ی تلویزیون اکتفا کنند و از همین‌جا فوتبال را ببینند، چون زن هستند؟ این نظام، نظام اسلامی است؛ مسئولین ورزشی نظام باید مکان‌هایی را مخصوص زنان آماده کنند تا آنان در این مکان‌ها صیانت داشته باشند. آن دستگاهی که مسئول توسعه‌ی ورزش قهرمانی در کشور است، مسئول ایجاد صیانت برای زنان در مسئله تماشای مستقیم فوتبال نیز هست و این اقدام را باید انجام بدهد.

برادران و خواهران! با دین دشمنی نکنید. افراد بی‌دینی در فضای مجازی حرف‌های امثال بنده را تحریف و پس‌وپیش می‌کنند و البته ما وحشتی از این حرف‌ها نداریم؛ الگوی ما در راه خدمت و فداکاری دینی، نواب صفوی است؛ ما با همه قدرت در عرصه غیرتمندی دینی ایستاده‌ایم و باکی نیز از این حرف‌ها نداریم.

غیرت دینی شما نباید اجازه دهد تا یک

نظام جمهوری اسلامی موظف است تا صیانت زنان را در عین تفریح و ورزش فراهم کند. زنان از تمام حدود و حقوق اجتماعی که مردان برخوردار هستند، برخوردار هستند و باید آزادانه ورزش و تفریح کنند.

مراجع تقلید و مقام معظم رهبری فتوا داده‌اند که دوچرخه‌سواری زن در منظر مرد نامحرم، حرام است؛ چون تبرج است و به نص قرآن نهی شده است؛ بنابراین زنان نباید در حضور مردان سوار دوچرخه شوند؛ اما آیا زنان باید از دوچرخه‌سواری، اسب‌سواری و چنین ورزش‌هایی در جامعه محروم باشند؟ خیر! نباید محروم باشند؛ بلکه باید صیانت شوند و مصونیت برای آنان ایجاد شود.

بنده از شهردار محترم مشهد مقدس به خاطر دستوری که صادر کردند تشکر می‌کنم. شهردار مشهد مقدس دستور داده تا برای تمام پارک‌های بالای پنج هکتار، مکان‌هایی مخصوص جهت ورزش و تفریح بانوان فراهم شود.

زنان باید بتوانند با کمال آزادی و صیانت، تفریح و ورزش کنند؛ میدان بازی فوتبال جای هیجان است، شمایبی که مرد هستید و آنجا می‌روید، چقدر هیجان پیدا می‌کنید؟ طبیعی است که چند خانم، که از نظر عاطفی و احساسی به مراتب از مردها حساس‌تر هستند، هیجان بیشتری پیدا کنند؛ بروز و ظهور این هیجان از نظر مراجع تقلید حرام است؛ اگر این

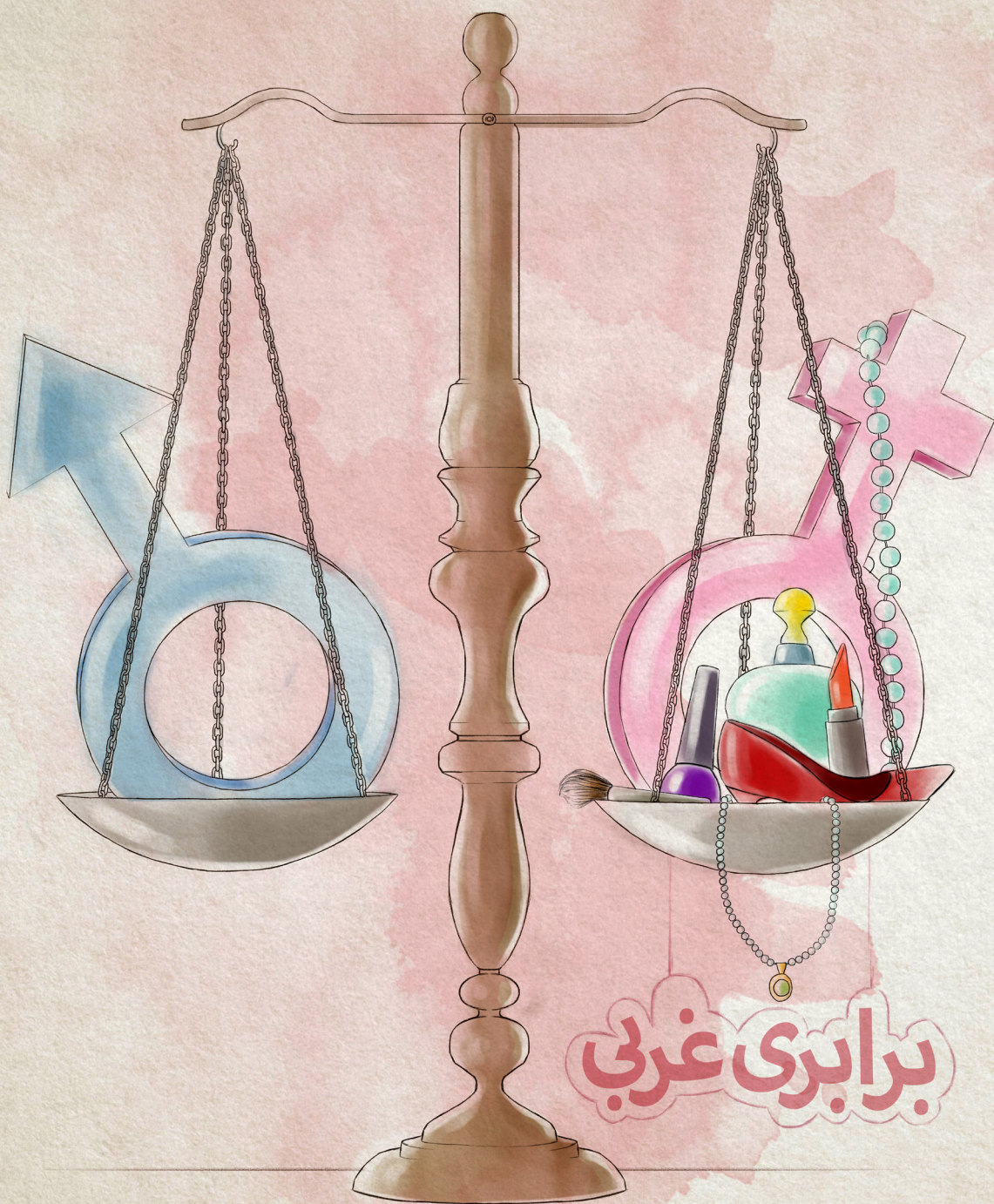
عده اراذل به حلال و حرام خدا حمله کنند و احکام دین و آیات قرآن را زیر پا بگذارند. ما وظیفه داریم که شرایطی را فراهم کنیم تا زنان، انواع و اقسام ورزش‌ها و تفریح‌ها را با حفاظت و صیانت داشته باشند؛ به همین منظور عناصر متدین در مجلس، برنامه‌ریزی‌های لازم را داشته باشند تا خواهران و دختران ما با کمال صیانت از هر نوع جریان غیردینی و غیرشرعی بتوانند از انواع ورزش‌ها و تفریح‌ها لذت ببرند.

خدایا! به عزت اولیاءت، به کسانی که در مقام توسعه‌ی حدود شرعی و احکام شریعت در این کشور مردانه فداکاری می‌کنند توفیق و عافیت کامل عطا کن.

پروردگارا! نقطه‌ی کمال حکمرانی دینی که نقطه‌ی فرج و ظهور مولایمان بقیه‌الله است را تعجیل فرما و ارواح مطهره‌ی شهدا و امام بزرگوار ما را از مجموعه‌ی عبادات و اعمال خیر ما بهره‌مند گردان.

خدایا! سایه‌ی پربرکت مقام معظم رهبری بر سر ما مستدام دار و دشمنان ناپاک ما در جبهه‌های کفر و نفاق و استکبار ذلیل و نابود و ریشه‌کن فرما.





برابری غربی

اساساً نگرش غربی نسبت به زن، یک نگرش مبنی بر عدم برابری و عدم تعادل است. شعارهایی که در غرب داده میشود، حاکی از واقعیت نیست. فرهنگ غربی را باید در ادبیات غربی جستجو کرد. در چشم فرهنگ اروپایی، از دوران قرون وسطی تا اواسط قرن فعلی، زن موجود درجه دوم بوده است! هر چه بر خلاف این ادعا کنند، خلاف میگویند.

عبدالله
رهبر انقلاب
۱۳۷۶/۷/۳۰



معلم دانشور بشر

فاطمه‌ی زهرا علیها السلام سرور زنان اهل بهشت است. درس شجاعت، درس فداکاری، درس زهد در دنیا، درس معرفت‌آموزی، درس معرفت‌رأ انتقال دادن به اذهان دیگران، در مقام معلم دانشور بشر قرار گرفتن، درس‌های فاطمه‌ی زهرا علیها السلام است.

عیدها
به‌یاد آید



سایت مرکز رسیدگی به امور
مساجد استان‌های خراسان
masjedkh.ir



مرکز رسیدگی به امور مساجد
استان‌های خراسان



سایت آیت‌الله علم‌الهدی
alamolhoda.com

مشهدالرضا (ع)؛ خیابان امام رضا (ع)؛ امام رضا ۹؛ مسجد راوندگان؛ ساختمان شماره ۲ مرکز رسیدگی به امور مساجد استان‌های خراسان